

یحیی تعمیددهنده

¹و در آن ایام، یحیی تعمیددهنده در بیابان یهودیه ظاهر شد و موعظه کرده، می‌گفت: ²توبه کنید، زیرا ملکوت آسمان نزدیک است. ³زیرا همین است آنکه اشعیای نبی از او خبر داده، می‌گوید: صدای ندا کننده‌ای در بیابان که: راه خداوند را مهیا سازید و طُرُق او را راست نمایید. ⁴و این یحیی لباس از پشم شتر می‌داشت و کمربند چرمی بر کم، و خوراک او از ملخ و عسل بُری می‌بود. ⁵در این وقت، اورشلیم و تمام یهودیه و جمیع حوالی اُردُن نزد او بیرون می‌آمدند، و به گناهان خود اعتراف کرده، در اُردُن از وی تعمید می‌افتند.

⁷پس چون بسیاری از فریسیان و صدّوقیان را دید که بجهت تعمید وی می‌آیند، بدیشان گفت: ای افعی زادگان، که شما را اعلام کرد که از غضب‌آینده بگریزید؟ اکنون ثمره شایسته توبه بیاورید، ⁹و این سخن را به خاطر خود راه مدهید که: پدر ما ابراهیم است، زیرا به شما می‌گویم: خدا قادر است که از این سنگها فرزندان برای ابراهیم برانگیزاند. ¹⁰و الحال تیشه بر ریشه درختان نهاده شده است، پس هر درختی که ثمره نیکو نیاورد، بریده و در آتش افکنده شود. ¹¹من شما را به آب بجهت توبه تعمید می‌دهم، لکن او که بعد از من می‌آید از من توانتر است که لایق برداشتن نعلین او نیستم؛ او شما را به روح القدس و آتش تعمید خواهد داد. ¹²او غربال خود را در دست دارد و خرمن خود را نیکو پاک کرده، گندم خویش را در انبار ذخیره خواهد نمود، ولی کاه را در آتشی که خاموشی نمی‌پذیرد خواهد سوزانید.

تعمید عیسی

¹³آنگاه عیسی از جلیل به اُردُن نزد یحیی آمد تا از او تعمید یابد. ¹⁴اما یحیی او را منع نموده، گفت: من احتیاج دارم که از تو تعمید یابم و تو نزد من می‌آیی؟ عیسی در جواب وی گفت: ¹⁵الآن بگذار، زیرا که ما را همچنین مناسب است تا تمام عدالت را به کمال رسانیم. پس او را وا گذاشت. ¹⁶اما عیسی چون تعمید یافت، فوراً از آب برآمد که در ساعت آسمان بر وی گشاده شد و روح خدا را دید که مثل کبوتری نزول کرده، بر وی می‌آید. ¹⁷آنگاه صدایی از آسمان رسید که: این است پسر حبیب من که از او خشنودم.

¹In those days came John the Baptist, preaching in the wilderness of Judaea, ²And saying, Repent ye: for the kingdom of heaven is at hand. ³For this is he that was spoken of by the prophet Esaias, saying, The voice of one crying in the wilderness, Prepare ye the way of the Lord, make his paths straight. ⁴And the same John had his raiment of camel's hair, and a leathern girdle about his loins; and his meat was locusts and wild honey. ⁵Then went out to him Jerusalem, and all Judaea, and all the region round about Jordan, ⁶And were baptized of him in Jordan, confessing their sins. ⁷But when he saw many of the Pharisees and Sadducees come to his baptism, he said unto them, O generation of vipers, who hath warned you to flee from the wrath to come? ⁸Bring forth therefore fruits meet for repentance: ⁹And think not to say within yourselves, We have Abraham to our father: for I say unto you, that God is able of these stones to raise up children unto Abraham. ¹⁰And now also the axe is laid unto the root of the trees: therefore every tree which bringeth not forth good fruit is hewn down, and cast into the fire. ¹¹I indeed baptize you with water unto repentance: but he that cometh after me is mightier than I, whose shoes I am not worthy to bear: he shall baptize you with the Holy Ghost, and with fire: ¹²Whose fan is in his hand, and he will thoroughly purge his floor, and gather his wheat into the garner; but he will burn up the chaff with unquenchable fire. ¹³Then cometh Jesus from Galilee to Jordan unto John, to be baptized of him. ¹⁴But John forbad him, saying, I have need to be

Matthew 3

baptized of thee, and comest thou to me?¹⁵ And Jesus answering said unto him, Suffer it to be so now: for thus it becometh us to fulfil all righteousness. Then he suffered him.¹⁶ And Jesus, when he was baptized, went up straightway out of the water: and, lo, the heavens were opened unto him, and he saw the Spirit of God descending like a dove, and lighting upon him:¹⁷ And lo a voice from heaven, saying, This is my beloved Son, in whom I am well pleased.